

انواع قرائت قرآن

کاظم قاضی زاده

چکیده:

در این مقاله به یکی از زیرمجموعه های ادب مواجهه با قرآن پرداخته شده است، ابتدا در یک بررسی تاریخی به شیوه قرائت قرآن در هنگام نزول و (قرائت ترتیل)، قرائت ترتیلی پیامبر، قرائت زیبا و حزن آمیز ائمه اطهار و قرائت با الحان صحابه پرداخته و سپس قرائتهای مطلوب، نامطلوب و مورد اختلاف را ارائه نموده ایم قرائت ترتیل، تحذیر، تحقیق، تدویر، قرائت همراه با حزن و قرائت نیکو از دسته اول، قرائت هلرمة از دسته دوم و قرائت همراه با ترجیع و تغنی از دسته سوم می باشد.

انواع قرائت قرآن

قرآن کریم در مقایسه با دیگر کتب دینی و غیردینی، از جایگاه ویژه و ممتازی برخوردار است. این ویژگی نه تنها از زبان معصومین علیهم السلام نقل شده، که تک تک سوره ها و آیات قرآن نیز بر آن دلالت دارد. نه تنها مفاهیم قرآن از عمق و ژرفای خاصی برخوردار است، که الفاظ آن نیز جلوه ای از اعجاز کلام «خداوند» را می نمایاند. از اینرو این کتاب در همه عرصه های حضور و تحققش از تقدس ویژه ای برخوردار است. و انسان نیز در مواجهه با این حقیقت بی بدیل، موظف به رعایت آداب ویژه ای می باشد؛ چنان که برای حضور بر کرانه دریای معانی قرآن، باید جان را از پلیدیها پاک گرداند. و برای لمس وجود «کتبی» آن، باید از «طهور» استمداد جست، برای حمل، قرائت و

استماع آیات نورانی آن نیز نیازمند رعایت شرایط و آدابی دیگر است. بنظر می‌رسد بررسی و تدوین مجموعه‌ای در «آداب مواجهه با قرآن» موضوعی جالب و در خور تحقیق است و می‌تواند یکی از سرفصلهای علوم قرآنی را رقم بزند. اما در این مختصر تنها به بررسی یکی از زیرمجموعه‌های عنوان فوق می‌پردازیم.

یکی از جلوه‌های قرآن «قرآن صوتی» است. قرآنی که فرشته وحی بر پیامبر اکرم (ص) قرائت کرده است و پیامبر (ص) بر مردم خواند. و پس از آن نیز آن الفاظ و کلمات بر زبان قاریان و حافظان، بلکه بر زبان تک تک امت مسلمان در طی قرون و اعصار جاری گردیده و هر صبح و شام طنین دلنشین تلاوت آیات آن، فضای جوامع اسلامی را نوری دوباره بخشیده است. مسلم مواجهه با این جلوه قرآن نیز دارای آداب و شرایطی است که یکی از آنها آداب چگونگی قرائت قرآن از جهت «صوت» است.

قرآن کریم چگونه باید تلاوت شود؟ پیامبر اکرم (ص) چگونه صوتی را می‌شنیده است و چگونه بر مردم تلاوت نموده است؟ دیگر معصومین (ع) چگونه قرآن می‌خوانده‌اند؟ آیا روش خاصی در قرائت قرآن توصیه شده است یا روشهای مطلوب متعددی در این زمینه وجود دارد؟ آیا روش مطرود و ممنوعی در نحوه قرائت وجود دارد یا نه؟ ارتباط مطلوبیت خوشخوانی و حرمت غنا چیست؟ آیا هر نوع غنائی و در ضمن هر مضمونی مطلقاً حرام است (حتی قرائت قرآن غنائی) یا قرائت قرآن تخصصاً یا تخصیصاً از حرمت غنا خارج است؟ از جهت تاریخی صحابه، تابعین و دیگر قاریان چگونه و با چه لحنی قرآن را تلاوت نموده‌اند؟

پاسخ سئوالاتی از این دست، زمینه نگارش این مقاله را فراهم آورده است. تذکر این نکته ضروری است که گرچه اشارات مختصری در بعضی از کتب علوم قرآنی و یا مباحث علم قرائت در این باره آمده است، اما نگارنده به بحث جامع و گسترده‌ای در این موضوع دست نیافته است. بعضی از مفسرین نیز در اوایل کتب تفسیری خویش و یا در ذیل آیاتی که به نحوه قرائت اشاره دارد، بحثهای مختصری نموده‌اند؛ جوامع روایی - خصوصاً جوامع روایی شیعی - و کتب فقهی نیز بمناسبت، به زوایایی از مسأله اشاره نموده‌اند. طبیعی است منابع یاد شده از قرآن، روایات، کتب علوم قرآنی و تفسیر و مباحث فقهی، منابع اساسی نگارنده در فراهم آوردن این مقاله خواهد بود.

بررسی تاریخی کیفیت قرائت

الف: کیفیت قرائت جبرائیل هنگام نزول قرآن

اولین باری که قرآن در جلوه «قرآن صوتی» عینیت یافته است، هنگام قرائت فرشته امین وحی بر پیامبر اکرم (ص) بوده است. گرچه نزول دفعی قرآن، با معیارهای قابل شناخت ما بعید است از نوع گفتار معمولی و تدریجی باشد، اما نزول تدریجی قرآن در طول دوران رسالت اینگونه بوده است. قرآن کریم صریحاً به گفتار بودن وحی الهی و هنگام نزول اشاره می‌نماید. در سوره تکویر آمده است:

(انه لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ) ^(۱) «هر آینه آن [قرآن] گفته فرستاده‌ای بزرگوار

[جبرائیل] است.»

قرآن کریم، برخلاف کتابهای آسمانی دیگر که بصورت «الواح» یا «کتاب» بر پیامبران عرضه می‌گردید، بصورت کلام و «قول» بر پیامبر اسلام فرو فرستاده شد؛ به همین جهت اهل کتاب، کیفیت وحی را ناآشنا می‌انگاشته از پیامبر (ص) درخواست آوردن کتاب مدون می‌نمودند. ^(۲) اما قرآن کریم بطور جداگانه و مرتل نازل گردید. قرآن کریم در سوره فرقان ضمن اشاره به گفته کافران و درخواست آنان، مبنی بر نزول دفعی قرآن و رد درخواست آنان، کیفیت نزول قرآن را بصورت ترتیل معرفی می‌نماید. ^(۳) ولی با این حال قرائت ترتیل از جهت صفت به روش واحدی نبوده است؛ شخص پیامبر اکرم (ص) که مخاطب سروش وحی بوده است، بر اثر تفاوت نوع ترتیل جبرائیل، بگونه‌های مختلفی منفعل و متأثر می‌گشته است؛ هنگامی که «حارث بن هشام» از حضرتش سؤال نمود که: وحی چگونه بر شما نازل می‌شود پیامبر (ص) فرمودند:

گاهی صدایی همانند صدای جرس بگوش من می‌رسید؛ وحیی که اینگونه بر من نازل می‌شد، سخت گران و سنگین بود. سپس این صدا قطع می‌شد و آنچه را جبرائیل می‌گفت فرامی‌گرفتم. و گاهی جبرائیل بصورت مردی بر من فرود می‌آمد و با من سخن می‌گفت و من گفته‌های او را حفظ می‌کردم. ^(۴)

در این گفتار پیامبر (ص) به دو نوع وحی اشاره نموده‌اند که یکی بسیار ثقیل و دیگری کمی لطیف تر بوده است. محتمل است به اقتضای تنوع مفاهیمی که در هر مرحله از نزول تدریجی قرآن وجود داشته است، شیوه انزال و قرائت جبرائیل متفاوت بوده است. ره‌آوردی که از این احتمال بدست می‌آید، مطلوبیت تفاوت قرائت قرآن با توجه به کیفیت و نوع معانی آیات است.

روایات دیگری درباره کیفیت نزول قرآن وارد شده است که می‌تواند شاهدهی بر صدق احتمال فوق باشد؛ در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که «قرآن با شکوه و جلال و بزرگی (تفخیم) نازل شده است»^(۵). ناقل روایت فوق از قول حلیمی نقل می‌کند که:

مقصود روایت فوق آن است که قرائت مردانه خوانده شود و با نرمی قرائت زنانه خوانده نشود.^(۶)

روایت دیگری محمد بن ابی عمیر از قول امام صادق علیه السلام نقل کرده که حضرتش فرمودند:

«هرآینه قرآن همراه با حزن (و بصورت حزین) نازل شده است.»^(۷)

گرچه جمع بین دو قرائت «مفخم» و «حزین» ناممکن نیست، اما ظاهر این دو روایت بر لزوم توجه به اختلاف در قرائت قرآن نزدیکتر است؛ به تعبیر دیگر بنظر می‌رسد گاهی وصف غالب قرائت هنگام نزول، کوبندگی و جلال بوده و گاهی صدای حزین جبرائیل. و وصف حزن آن بیش از هر چیز، شنونده کلام وحی را بخود جلب می‌کرده است.

ب: کیفیت قرائت پیامبر اکرم (ص)

۱- قرائت ترتیل

قرآن کریم چنان که از قرائت جبرائیل به نحو ترتیل یاد نموده است، پیامبر اکرم (ص) را نیز به اینگونه قرائت امر کرده است؛ در سوره مزمل می‌فرماید: «و قرآن را بصورت ترتیل» قرائت کن.^(۸)

روشن است که پیامبری که قبل از هر چیز افتخار بندگی پروردگار خویش را دارد، به امر الهی گردن نهاده و به گونه ترتیل قرائت می‌نموده است.

در آیه شریفه دیگر قرائت پیامبر اکرم (ص) قرائت همراه با تانی و مکث ذکر

شده است، در سوره مبارکه اسراء می‌فرماید:

«و قرآنی را جزء جزء بر تو نازل کردیم تا آنرا بتدریج و تانی بر مردم قرائت نمایی»^(۹) با توجه به تعبیر «للقراء علی الناس علی مکث» که در این آیه آمده است و با نظر به تفاسیر این آیه ظاهراً «قرائت علی مکث» همان قرائت ترتیلی است^(۱۰)، گرچه بعضی از این تعبیر، صرف تدریج در قرائت و تنجیم قرآن را فهمیده اند.^(۱۱)

۲- قرائت ترجیع

قرائت دیگری که از پیامبر حکایت شده است «قرائت همراه با ترجیع» است، این نوع قرائت برخلاف قرائت ترتیل، تنها در نقل واقعه ای خاص وارد شده است. در صحیح مسلم آمده است که:

«شعبه از معاویه بن قرة نقل کرد که وی گفت: از عبدالله بن مغفل مزنی شنیدم که می گفت: پیامبر اکرم (ص) در سال فتح (مکه) در میانه راه سوار بر مرکب خویش سوره فتح را قرائت نمود، پس در قرائت خویش ترجیع نمود.
معاویه [بن قرة] گفت: اگر ترس اجتماع و ازدحام مردم را نداشتم، هرآینه بر شما قرائت پیامبر را حکایت می نمودم.»^(۱۲)

از قسمت پایانی حکایت فوق، حُسن و جذابیت زایدالوصف پیامبر اکرم (ص) نیز بدست می آید؛ چراکه راوی ضمن اظهار اطلاع از نحوه قرائت پیامبر (ص)، عدم حکایت آن را ترس از ازدحام مردم اعلام می کند.

البته بعضی که مطلق «صوت مرجع» را موضوع حرمت غناء دانسته اند، در مقام توجیه روایت فوق و حمل برخلاف ظاهر برآمده اند. محمد بن احمد قرطبی از قول بعضی دیگر، ترجیع در قرائت پیامبر را به جهت حرکت مرکب و در نتیجه امری غیرارادی دانسته است^(۱۳)؛ اما پرواضح است که اگر مقصود از نقل فوق اینگونه بود، بجای تعبیر «فَرَجَّعَ فی قرائته» از تعبیر «رُجَّعَ قرائته» باید استفاده می شد.

۳- قرائت حَسَن

در روایات زیادی، پیامبر اکرم (ص) دارای «قرائت حَسَن» و «صوت حَسَن» معرفی شده است. حتی قریش که در اوایل بعثت دشمنی و عناد آشکاری با پیامبر اکرم (ص) و خدای او داشتند و چون نام خدای برده می شد می گریختند (به جهت عداوت)، اما هنگامی که پیامبر اکرم (ص) در نیمه های شب به قرائت قرآن می پرداخت، پنهانی به

قرائت وی گوش می سپردند. علی بن ابراهیم قمی در ذیل آیه شریفهٔ چهل و ششم سورهٔ اسراء^(۱۴) اینگونه روایت کرده است:

«هنگامی که پیامبر خدا(ص) شب را به قرائت قرآن سپری می کرد بجهت زیبایی قرائتش، قریش با علاقه فراوان پنهانی به صدایش گوش سپردند. و هنگامی که آیهٔ شریفه بسم الله الرحمن الرحیم را قرائت می فرمود [بجهت عداوت با خداوند] از نزد او می گریختند.»^(۱۵)

در روایت دیگر پیامبر اکرم(ص) نه تنها خوش صدا، که خوش صداترین مردم در قرائت قرآن معرفی شده است^(۱۶)؛ درحقیقت حُسن صوت، کرامت و موهبت الهی است. و به همین جهت نیز امام صادق علیه السلام تمام پیامبران خداوند را دارای چنین موهبتی معرفی می نماید.^(۱۷)

هر مرتبه ای از حسن قرائت دارای تأثیر خاصی است و مراتب والای آن، نه تنها شنوندگان را مجذوب که آنها را مدهوش می کند. پیامبر(ص) که احسن الناس صوتاً بوده است، از حُسن قرائتش بجهت رعایت حال مردم شنونده می کاسته است. این نکته از بیان حضرت امام کاظم(ع) به دست می آید. هنگامی که حضرتش به توصیف قرائت جدشان علی بن الحسین پرداختند از ایشان سئوال شد که: آیا اینگونه نبود که پیامبر خدا(ص) با مردم نماز می خواند و [در حین نماز] صدای خویش را به قرائت قرآن بلند می کردند^(۱۸)؟ حضرت کاظم در جواب فرمودند:

«پیامبر اکرم(ص) فقط به مقدار طاقت مامومین با آنها رفتار می کرد»^(۱۹)

مفهوم این روایت آن است که گرچه پیامبر اکرم(ص) قدرت آفریدن قرائت مدهوش کننده را داشته است، اما بجهت رعایت حال مستمعین (خصوصاً در حین نماز) از حُسن قرائت خویش می کاسته است. نکته دیگر که از این کلام به دست می آید آن که قرائت زیبایی که موجبات صعقه و طرب را فراهم آورد، فی نفسه ممنوعیتی ندارد و پیامبر اکرم اگر چنین قرائتی را در نماز نمی کردند، صرفاً بجهت عنوان ثانوی (رعایت حال مردم) بوده است نه ممنوعیت آن قرائت به عنوان اولی.

تذکر این نکته در پایان قرائتهای منقولۀ از پیامبر لازم است: قرائت حسن، می تواند وصف لازم هر کدام از قرائتهای ترتیلی و ترجیعی قرار گیرد و قرائت احسن نیز بیانگر مرتبهٔ والایی از قرائت ترتیل و یا ترجیع است. قرائت ترتیل و ترجیع نیز امکان تصادق در فرد واحد را دارند؛ اما اکنون بجهت استیفای عناوینی که در قرائت پیامبر آمده است به

جداسازی هریک مبادرت گردید. رابطه انواع قرائات فوق و قرائات دیگر در ادامه مقاله خواهد آمد.

ج: کیفیت قرائت ائمه اطهار علیهم السلام

۱- قرائت حَسَن (خوشخوانی)

قرائت همه ائمه اطهار علیهم السلام متأسفانه نقل نشده است؛ اما درباره قرائت امام سجاد، باقر و کاظم علیهم السلام روایاتی در دست است. یکی از ویژگیهای قرائت ائمه خوشخوانی آن است: علی بن محمد نوفلی می گوید: نزد حضرت ابی الحسن (امام کاظم) (ع) از «صدا» یاد کردم پس حضرت فرمودند:

«حضرت علی بن الحسین (ع) قرائت [قرآن] می نمود، پس چه بسا عابری بر او می گذشت و از نیکویی صدای قرائتش به حالت صعقه و بیهوشی می افتاد. هرآینه اگر «امام» از این موضوع (قرائت خوش) چیزی اظهار کند، به جهت نیکوئی اش، مردم را تاب تحمل شنیدن نیست.»^(۲۰)

امام صادق علیه السلام نیز در توصیف پدر و جد خویش اینگونه فرمودند:

«علی بن الحسین (علیهما السلام) در قرائت قرآن، از همه مردم خوش صداتر بود و [هنگام قرائت] صدایش را بگونه ای بلند می نمود که اهل خانه بشنوند. اباجعفر [امام باقر (علیه السلام)] نیز [چون پدر] در قرائت قرآن خوش صداترین بود، هنگامی که شبانگاه برخاسته و به قرائت می پرداخت، صدایش را [به قرائت] بلند می نمود پس ساقیان و افراد دیگری که در راه بر (منزلش) عبور می نمودند، ایستاده و به قرائتش گوش فرامی دادند.»^(۲۱)

از این دو روایت نیز تفاوت درجات خوشخوانی استفاده می شود؛ چراکه گاهی قرائت نیکوی امام (ع)، زانوان عابران را از حرکت باز می ایستاند. و گاهی بر جان مستمع حالت غشوه و صعقه می انداخته است.

۲- قرائت همراه با حُزُن

قرائت حزین نیز به امام باقر و کاظم علیهما السلام منسوب است: حفص بن غیاث به نقل معتبری ویژگی قرائت امام کاظم (ع) را اینگونه بیان کرده است:

«کسی را نیافتم که به اندازه موسی بن جعفر (علیهما السلام) بر خویش بترسد و

بر مردم امیدوار باشد، قرائت وی محزون بود و در هنگام قرائت گویا انسانی را مخاطب قرار داده بود. «(۲۲)»

مرحوم مجلسی نیز حکایتی از قرائت امام باقر(ع) را بدین صورت نقل کرده است: «جماعتی از حضرت باقر(ع) اذن گرفته و بر حضرتش وارد شدند، اینان گفتند: هنگامی که داخل دالان شدیم ناگهان قرائتی سریانی را شنیدیم که با صدای نیکو می خواند و گریه می کرد بطوری که بعضی از ما نیز به گریه افتادیم ولی مضمون گفتارش را نمی فهمیدیم، گمان بردیم که در نزد حضرت کسی است. لذا هنگام شرفیابی به محضرش گفتیم: ما قرائت سریانی شنیدیم که با صدایی محزون همراه بود؛ حضرت فرمودند: من بیاد مناجات «الیا»ی پیامبر افتادم و مرا به گریه انداخت. «(۲۳)»

قرائت حزین امام باقر علیه السلام گرچه در مورد ذکر و مناجات با خدا بوده است، اما بنظر می رسد اختصاصی به ذکر نداشته است؛ خصوصاً که قرائت قرآن نیز مشتمل بر ذکر و دعا است. تأثر شنوندگان از صدای امام باقر علیه السلام گرچه مضمون کلام را هم نمی دانسته اند، قابل توجه است. در موارد دیگری نیز تأثیر قرائت محزون ائمه(ع) بر شنوندگان نقل شده است: مناقب ابن شهر آشوب آورده است:

«امام کاظم خوش صداترین مردم در قرائت قرآن بود، هنگام قرائت قرآن محزون شده و می گریست و شنوندگان نیز به قرائتش می گریستند، وی از خشیت الهی آنقدر می گریست که محاسنش به اشکها آغشته می شد. «(۲۴)»

د: قرائت صحابه و تابعین

۱- قرائت با الحان و تغنی

آنگونه که از روایات برمی آید، قرائت همراه با الحان (آواز) و تغنی در میان صحابه وجود داشته است. اینگونه قرائت، بدون تردید مصداقی از قرائت حسن می باشد. پیامبر اکرم(ص) قرائت بعضی از صحابه را ستوده اند و درباره آنان فرموده اند: مزماری از مزامیر ال داود به آنها عطا شده است. این تعبیر لااقل در حق عبدالله بن قیس اشعری وارد شده است^(۲۵)؛ درباره ابوموسی اشعری روایت شده که پیامبر به او فرمودند: کاش مرا می دیدی هنگامی که صبحگاهان به قرائت تو گوش فرامی دادم. وی نیز گفت: اگر می دانستم که شما به قرائت من گوش می دادید هرآینه بر

حسن آن می افزودم. (۲۶)

علاوه بر آن که ناقل حدیث فوق و خصوصاً شارح آن نووی از این حدیث قرائت با تغنی را فهمیده است و لذا به بررسی حکم قرائت به الحان و تغنی پرداخته است. تعبیر «مزمار» تا حدودی دال بر اینگونه قرائت است، چراکه مزمار ابزار لوله ای شکلی است که در آن دمیده و با آن تغنی می شود^(۲۷). مزمار حضرت داود، در حسن و نیکویی ضرب المثل است بطوری که حضرت امیر(ع)، داود را صاحب مزمار و قاری اهل بهشت معرفی می نمایند^(۲۸). ابن ابی الحدید نیز در ذیل این خطبه بیانی مبالغه آمیز در ویژگی مزمار و قرائت داود نقل می نماید، وی می نویسد:

«به حضرت داود علیه السلام آنگونه صدای خوش و ترجیع در قرائت عطا شده بود که پرندگان آسمان هنگام قرائت وی در محراب عبادت بر او وارد می شدند، حیوانات بیابان نیز چون صدای وی را می شنیدند به میان مردم (مستمعین) آمده و چون به شنیدن صدای خوش وی مستغرق و مجذوب می شدند، از مردم فرار نمی کردند.»^(۲۹)

در این نقل روشن است که قرائت داود با ترجیع و ترنم همراه بوده است.

جدای از این روایات حکایات دیگری وجود دارد که بنحوی بر این نوع قرائت دلالت می نماید. ابن الاعرابی می گوید:

«عرب با سرود «رکبانی»^(۳۰) در هنگام سواری بر شتر، نشستن بر درب منزل و خلاصه در اکثر حالات، روزگار سپری می نمود؛ پس هنگامی که قرآن نازل شد پیامبر دوست داشت که زمزمه آنها بجای سرود رکبانی زمزمه قرآن باشد.»^(۳۱)

علامه ابن منظور پس از نقل فوق اولین افرادی که قرائت به الحان می نمودند را معرفی می کند؛ وی می نویسد: «اولین کسی که به «الحان» قرائت کرد عبیدالله ابن ابی بکر بود، این نوع قرائت را عبیدالله بن عمر از وی به ارث برد. از این روی می گویند: «قرات العُمَری» و سعید علاف اباضی از وی این نوع قرائت را فراگرفت.»^(۳۲)

کلمه «لحن» گرچه معانی متعددی دارد و در مباحث علوم قرآن عنوان «تلحین قرآن» بمعنای خطای در اعراب آمده است. و از این نوع تلحین نهی شده است؛ اما در این جا مقصود از الحان و لحن، صوت قرآن و اصوات منظوم و نغمه های خوش است.^(۳۳) و بر همین معنا نیز «صناعة اللحن» بمعنای موسیقی استعمال شده است.^(۳۴)

عبدالله بن ابی بکره (اولین کسی که به نقل ابن منظور قرائت به الحان داشته است) از تابعین موثق و از اهل بصره بوده است و پدرش ابوبکره نقیع بن الحارث از اصحاب پیامبر خدا (ص) بوده است وی دوبار به سجستان امارت یافته و زمانی نیز قاضی بصره بوده است، ثروت زیادی داشته و به جود و سخا معروف بوده است. (۳۵) اما متأسفانه در نحوه قرائت وی و ویژگیهای آن اطلاع دقیقی در دست نیست.

بدون این که قضاوت صریحی بر یکسانی قرائات صدر اول با قرائات قرون بعد داشته باشیم؛ اما بنظر می رسد قرائت با الحان در طی قرون متمادی معمول بوده است گرچه بجتهای مختلف در دیدگاه بعضی این نوع قرائت مطلوب نبوده است.

مجدالدین ابن اثیر که در قرن ششم می زیسته است (۶۰۶-۵۴۴) (۳۶) در توضیح قرائت به الحان ضمن اشاره به قرائتهای معمول عصر خود می نویسد:

«الحنون» و «الحان» همان با طرب خواندن (تطریب) و تردید صدا در حلق (ترجیع الصوت) و خوشخوانی نظم و نثر و غناء است. و گویا مراد از قرائت به الحان قرائتی است که قاریان دوران در محافل و مجالس می خوانند، همانا یهود و نصاری نیز کتب خویش را اینگونه می خوانند. (۳۷)

قرطبی که در قرن بعد از وی می زیسته است و از جهت فقهی با قرائت به الحان سخت مخالف بوده است درباره نحوه قرائت زمان خویش می نویسد:

«این اختلاف (که بعضی تغنی به قرآن را مجاز و بعضی غیرمجاز می شمارند) تا جایی است که ترجیع و تردید در صدا موجب خللی در فهم معنای قرآن نشود؛ اما اگر ترجیع بحدی برسد که معنای قرآن فهمیده نشود، پس اینگونه قرائت باتفاق حرام است. قرائتی که قراء شهرهای کشور مصر در پیشگاه شاهان و یا در مجالس عزا و در پیش جنازه مردگان می خوانند و بر این قرائت مزد و جایزه می گیرند، تلاش اینان در گمراهی و عملشان بیهوده است. اینان دگرگونی کتاب خدا را بدینوسیله بر خود حلال شمرده و جرات بر خداوند را بر خود آسان گرفته اند بدین وسیله که بر قرآن منزل با نادانی خود و سرپیچی از سنت پیامبر و سیره صالحین گذشته چیزی را که در آن نیست می افزایند. (۳۸)

دو عبارت فوق نشانگر آن است که قرائت همراه با ترجیع و تلحین در قرن ششم و هفتم وجود داشته است. اما ناپسند نمودن این قرائت در نزد ابن اثیر و قرطبی مطلب

دیگری است که در فصل بعد آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۲- قرائت حسن

قرائت نیکو از صحابه و تابعین نیز نقل شده است: علقمة بن قیس که از قراء تابعین بشمار می آید^(۳۹) همچون برادرش عبدالله دارای صدایی خوش بوده است وی خود می گوید:

«عبدالله بن مسعود^(۴۰)، کس بدنبال من می فرستاد و از من درخواست قرائت قرآن می کرد و چون قرائت من پایان می یافت درخواست قرائتی دیگر می نمود و می گفت: پدر و مادرم به فدایت، از پیامبر خدا(ص) شنیدم که می فرمود: زیبایی صدا زینت قرآن است.»^(۴۱)

موارد دیگری که پیامبر اکرم در تکریم قرائت صحابه برآمده اند، نشانگر حسن صوت قراء بوده است. البته در این مورد نیز قرائت نیکو و قرائت به الحان قابل جمع است؛ ولی بجهت ورود عناوین متعدد، به ذکر جداگانه آن مبادرت گردید. بررسی رابطه انواع قرائت در فصل آتی صورت می پذیرد.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فصل دوم

کیفیت قرائتهای مطلوب و نامطلوب و موارد مورد اختلاف

الف: قرائت های مطلوب

۱- قرائت ترتیل

از قرائتهای مطلوب که بیش از هر نوع دیگر به آن اشاره شده است، قرائت ترتیل است. این نوع قرائت توسط جبرائیل صورت پذیرفته^(۴۲) و پیامبر اکرم مأمور به تبعیت وی و قرائت ترتیل بوده است.^(۴۳) و امیر مؤمنان(ع) نیز قرائت اهل تقوی و پرهیزگاری را اینگونه معرفی نموده است.^(۴۴)

ریشه کلمه ترتیل (رتل) در اصل بمعنای تناسق و انتظام نیکو^(۴۵) است و از این روی به کسی که دارای دندانههای بافاصله و متناسب است «ذو ثغر مرتل» گفته می شود. با دقت بیشتر، قوام این کلمه را در دو ویژگی «وضوح و جدایی» و «تناسب و خوش ترکیبی»

خواهیم یافت. ابن منظور در بیان معنای رتل الکلام می نویسد: «احسن تالیفه وابانه وتمهّل فيه»^(۴۶) و جوهری در صحاح ترتیل در قرائت را به معنای ترسل و رها کردن و تبیین حروف بدون زیاده روی معرفی می کند.^(۴۷) طریحی نیز آن را بمعنای تانی در قرائت و آشکار نمودن حروف بطوری که شنونده قادر بر شمردن حروف باشد، می داند.^(۴۸) البته بنظر می رسد بعضی از تعاریف لغویین بی تأثیر از نحوه منقول از قرائت پیامبر اکرم (ص) نبوده است و در حقیقت لوازم غالبی قرائت ترتیل را در معنای آن داخل کرده اند. در هر صورت جدای از تبیینهای لغویین، روایان حدیث شیوه قرائت ترتیل را از ائمه اطهار (ع) نیز سؤال نموده اند. به دو روایت زیر از امیرمؤمنان علیه السلام در این زمینه اشاره می شود، حضرت در معنای ترتیل می فرمایند:

«آن را (کلمات و حروف قرآن را) روشن و واضح اداکن و آن را مانند سرعت قرائت اشعار تند مخوان و مانند ریگهای جدای از هم (و بی ارتباط) از هم جدا مکن [رعایت تناسب را بنمای]».^(۴۹)

و در کلام دیگری می فرمایند:

«ترتیل قرآن، حفظ و رعایت محل وقفها و بیان و واضح ادا کردن حرفها است».^(۵۰)

امام صادق علیه السلام نیز در این زمینه فرموده اند:

«ترتیل آن است که در حین قرائت، مکث نموده و صدایت را در حین قرائت نیکو گردانی».^(۵۱)

سه روایتی که نقل کردیم - خصوصاً اول و سوم - به آنچه مقوم ترتیل است (تناسب و وضوح و جدایی) اشاره ای صریح و یا ضمنی دارد. روشن است که صدای متناسب، نیکو نیز هست و مکث در قرائت و حفظ وقوف و بیان حروف به وضوح و جدایی حروف می انجامد.

کیفیت قرائت ترتیل پیامبر اکرم (ص) نیز می تواند در تکمیل مفهوم فوق روشنگر باشد؛ ام سلمه گفته است که: پیامبر اکرم (ص) قرائت خویش را در پایان هر آیه ای قطع می نمودند^(۵۲)؛ انس گفته است که: پیامبر (ص) صدایشان را هنگام قرائت می کشیدند^(۵۳)؛ عایشه نیز در توضیح قرائت ترتیل پیامبر گفته است: قرائت پیامبر بصورت ترتیل بود، بگونه ای که قرائت حضرتش از دیگران طولانی تر بود^(۵۴)؛ و در نقلی دیگر هم می گوید: قرائت وی نه مانند سرعت و پشت هم اندازی شما در قرائت،

بلکه بگونه ای بود که اگر شنونده می خواست حروف قرائتش را شماره کند، قادر بود^(۵۵)؛ در نقل دیگری که صحیح بخاری از انس آورده است: پیامبر اکرم (ص) هر سه کلمه الله، الرحمن، الرحیم را در آیه شریفه بسم الله الرحمن الرحیم بطور ممدود قرائت می نمودند.^(۵۶)

روشن است که طولانی شدن قرائت، امکان شمارش حروف توسط مستمعین و ممدود بودن کلمات مورد قرائت، از لوازم دو وصف مقوم قرائت ترتیل است که از نظر گذشت.

* احسن الترتیل

روشن است که رعایت ملاکهای ترتیل و توجه به آن، دارای مراتب متعددی است؛ هم وضوح و جدایی، ذات تشکیک است و هم تناسب. از این روی قرائت ترتیل دارای افراد مطلوب و مطلوبتری می شود. از سوی دیگر نیز در بعضی از روایات و حکایات و به تبع در دیدگاه بعضی از قرآن پژوهان، ملاکهای دیگری نیز برای آفریدن احسن الترتیل مؤثر است، زرکشی در کتاب جامع البرهان فی علوم القرآن اینگونه می نویسد:

«کمال ترتیل آن است که الفاظ قرآن با شکوه و جلال ادا شود و حروف قرآن جدا جدا بیان گردد و هیچ حرفی در حرف دیگر ادغام نشود. گفته شده است این مقدار، کمترین حد لازم برای قرائت ترتیل است. و کاملترین حد ترتیل آن است که قرآن را در جایگاه خودش [با رعایت مقتضای مدلول آیات] بیاورد، [بدین معنا که] اگر آیه ای دارای تهدید است، در تلفظ بگونه تهدید بیاورد و اگر به قرائت جلال و بزرگی [مانند قرائت صفات جلال خداوند] رسید، آن را با تعظیم و بزرگی قرائت کند.»^(۵۷)

مفهوم فوق برای تحقق «ترتیل کامل» جدای از ملاکهای لغوین، توجه به معنا، تدبر در آن و حتی تأثر از آنها در حین قرائت و یا لاقلاً اظهار تأثرپذیری را معتبر می شمارد. پذیرفتن این مفهوم خصوصاً که با سیره پیامبر اکرم و پیروان آن حضرت و بیانات معصومین هماهنگ است، بلا مانع است.

«از حدیث نقل شده است که گفت: شبی را با پیامبر (ص) نماز خواندم پس به سوره بقره آغاز کرده آن را قرائت نمود، سپس سوره نساء را آغاز کرده و قرائت نمود، پس از آن آل عمران را قرائت فرمود، قرائت وی بگونه ای

شمرده و مرسل بود، هنگامی که به آیه تسبیح می رسید، تسبیح خدا می کرد و هنگامی که به آیه دعا و درخواست می رسید، از خداوند طلب می کرد و هنگامی که به آیه دارای تعوذ می گذشت، به خدا پناه می برد. ^(۵۸)

بیان زیر از امام صادق علیه السلام به مرتبه والای ترتیل دلالت دارد:

«ترتیل آن است که در قرائت خویش مکث نموده و با صدای نیکو و متناسب، قرآن بخوانی و هنگامی که به آیه ای رسیدی که در آن یاد آتش بود، از آن به خدا پناه ببری و چون به آیه ای رسیدی که در آن یاد بهشت بود، از خداوند آن را طلب کنی. ^(۵۹)»

امیرمؤمنان علیه السلام نیز به لزوم توجه به معنی در هنگام قرائت اشاره نموده می فرمایند:

«در قرائت ترتیل [قلبهای سخت را با آن خرد کن و هرگز همت تو در اتمام نمودن قرائت سوره نباشد] بلکه به معانی و تاثیر آن در قلب توجه کن. ^(۶۰)»

توجه به آنچه در تفسیر آیه شریفه (یتلونه حق تلاوته) ^(۶۱) آمده است، می تواند مرحله اکمل قرائت ترتیل یا حق ترتیل را نشان دهد. گرچه تلاوت، اعم از ترتیل است و به انواع دیگر قرائت نیز اطلاق می شود؛ اما روشن است که ترتیل اگر فرد غالب تلاوت نباشد، لااقل یکی از مصادیق شایع آن است که در عصر نخستین اسلام انجام می پذیرفته است.

پیامبر اکرم (ص) در روایتی حق تلاوت را به تبعیت قرآن آنگونه که تبعیت آن شایسته است، معنی نموده اند. ^(۶۲) و امام صادق علیه السلام در کلامی در ذیل این آیه شریفه، فهم، تأثر، تدبر و عمل را لازمه حق تلاوت دانسته اند. ایشان فرموده اند:

«آیات قرآن را به ترتیل و شمرده می خوانند و معانی آن را درمی یابند و به احکام قرآن عمل نموده و به وعده های قرآن امید داشته و از وعید عذاب آن پروا می کنند. قصص قرآن را بر خویش مجسم می کنند و از مثللهای قرآن پند می آموزند و به اوامر قرآن عمل کرده، و از نواهی آن دوری می جویند. به خدا قسم آن [حق تلاوت] به حفظ آیات و پشت سرهم آوردن حروف و خواندن سوره ها و یاد گرفتن اجزاء آن نیست، [عده ای] حروفش را از بر کرده ولی حدود و احکامش را ضایع کردند، [حق تلاوت] فقط تدبر در آیات قرآنی

است، خدای بلندمرتبه می فرماید: کتابی است که بر تو فرو فرستادیم تا مردم در آیات آن تدبیر کنند. ﴿۶۳﴾

پایان بخش تبیین ترتیل کامل را بیان زیبای امیرمؤمنان علیه السلام در توصیف قرائت شبانگاه متقین و تأثر آنان از این قرائت قرار می دهیم، حضرتش در خطبه همام می فرمایند:

«اما شب هنگام راست برپایند و قرآن را جزء جزء با تأمل و درنگ بر زبان دارند و بسا خواندن آن اندوهبارند و در اندوه داروی درد خویش را به دست می آورند. اگر به آیه ای گذشتند که تشویقی در آن است، به طمع بیارمند و جانهایشان چنان از شوق برآید که گویی دیده هایشان بدان نگران است. و اگر آیه ای را خوانند که در آن بیم دادنی است، گوش دلهای خویش بدان نهند آسان که پنداری بانگ برآمدن و فرو شدن آتش دوزخ را می شنوند. ﴿۶۴﴾»

۲- قرائت تحذیر

این قرائت، در مقابل قرائت ترتیل مطرح شده است. حذر، بمعنای اسرع و حدور، بمعنای هبوط است؛ چون هبوط با سرعت همراه است بخلاف صعود که طبعاً نمی تواند با سرعت همراه باشد. شیخ طوسی در تفسیر خویش می نویسد:

«ترتیل: ترتیب حروف با توجه به ادای حق آنها (بطور کامل) و تأمل و تثبیت در آنها هنگام تلاوت است. و حذر، إسراع در تلاوت است. ﴿۶۵﴾»

این جرزی در تفسیر تحذیر می گوید:

«تحذیر در نزد عالمان علم قرائت عبارت است از: درهم پیچیدن و سرعت بخشیدن و کوتاه کردن قرائت بواسطه قصر، تسکین، اختلاس، بدل، ادغام کبیر و تخفیف همزه و مانند آن. البته از اموری که بر جواز انجام آن، روایت صحیح آمده باشد و قرائت معتبر در آن وجود داشته باشد، همراه با انتخاب وصل [بجای فصل] و رعایت اعراب و توجه به جایگاه و استحکام لفظ و تمکن حروف. ﴿۶۶﴾»

خلاصه تعریف این جرزی آن است که «حذر» عبارت است از صحیح خوانی با حداکثر سرعت ممکن. روشن است که در این نوع قرائت رعایت تلحین و تغنی و ترجیح، کمتر امکان پذیر است؛ چراکه هریک از این امور نیازمند کندی در قرائت است.

از این نوع قرائت در قرآن کریم یاد نشده است. و در روایات نیز قرائت تحدیر - به این لفظ - معنون نگردیده است. و این عنوان، به عالمان علم قرائت و مفسرین استناد دارد؛ اما با این همه امکان تأیید ضمنی این نوع قرائت از لابلای مضامین روایات ممکن است.

یکی از ستهای مطلوب دینی ختم قرآن است. ختم قرآن در مدت محدود، لزوماً نیازمند سرعت در قرائت است. ائمه اطهار علیهم السلام گرچه از ختم قرآن در کمتر از سه روز در ماه مبارک رمضان، و کمتر از شش روز در ماههای دیگر منع کرده‌اند^(۶۷)، اما قرائت مردم عادی در این روزها نیازمند تحدیر در قرائت است.

از سوی دیگر روایاتی وجود دارد که استحباب قرائت قرآن در هر شب را بیان نموده و برای کسانی که قرائت بیشتری را در هر شب داشته باشند، درجات والتری را پیش بینی نموده است. در یکی از روایاتی که کلینی و صدوق آن را در کتب خویش آورده‌اند، ثواب قرائت کسی که هر شب هزار آیه را بخواند، ذکر نموده‌اند^(۶۸). روشن است قرائت قرآن به این مقدار حتی بصورت تحدیر هم نیازمند فرصت چند ساعت است، تا چه رسد به صورت ترتیل و ... خوانده شود. این روایت نیز دلالت التزامی بر مطلوبیت تحدیر دارد.

شاهد سومی که می‌تواند به نوعی قرائت پیامبر اکرم (ص) را نیز بصورت تحدیر بنمایاند، روایتی است که از حدیثه درباره یکی از موارد نماز شبانگاه پیامبر (ص) نقل شده است. در این روایت، وی حکایت نمازی را می‌نماید که پیامبر (ص) در آن سه سوره بقره، ال عمران و نساء را از آغاز تا پایان قرائت نموده است^(۶۹)، خواندن این مقدار قرآن در یک نماز و در یک شب نیازمند تحدیر در قرائت است.

۳- قرائت تحقیق

قرائت تحقیق، قرائت با نهایت ثانی و ارسال و آزاد ساختن و کشیدن صدا است. در این قرائت تمام قواعد قرائت، مانند اشباع مد، ادای کامل حق حروف، رعایت وقف و جابز، ترك اسكان متحرك و ادغام و ترك قصر و اختلاس و ... همه در قرائت تحقیق لازم است^(۷۰). از این رو، این قرائت به نوآموزان توصیه می‌شود تا کم‌کم با تمرین آن بر قرائت ترتیل موفق شوند. بسیاری از قاریان در مقام قرائت بر شاگردان، از قرائت تحقیق استفاده می‌کردند؛ چراکه این نحو قرائت، بر ضبط دقیقتر قرآن کمک

فراوان می نماید.

با توجه به کاربرد این نوع قرائت، روشن است که این نوع قرائت گرچه با تانی و مد همراه است اما با قرائت به الحان- تغنی- تطریب و ترجیع تفاوت می نماید. این قرائت که خوبست قرائت آموزشی نامبرده شود، به القای دقیق و صحیح حروف، کلمات و خصوصیات قرائت عنایت دارد.

۴- قرائت تدویر

ابن جرزی و بعضی از قراء دیگر به قرائت تدویر اشاره کرده اند و آن را بمعنای قرائتی بین تحقیق و تحدیر دانسته اند. (۷۲)

بدین ترتیب قرائت تدویر، نه به سرعت تحدیر و نه به کندی تحقیق است، و رعایت حق حروف و قواعد قرائت در آن ضروری است.

بررسی ارتباط چهار قرائت ترتیل، تحدیر، تحقیق و تدویر

با توجه به تعریفهایی که از هر یک از قرائتهای فوق ارائه شد، بنظر می رسد بین دو قرائت ترتیل و تدویر تفاوتی نباشد. حداکثر تفاوتی که بعضی از قرآن پژوهان ذکر کرده اند آن است که در قرائت ترتیل، تدبیر در قرآن نیز علاوه بر تناسب و وضوح بیان معتبر است؛ حال آن که در قرائت تدویر، چنین ویژگی معنایی معتبر نیست (۷۲). اما بر اساس آنچه در قرائت ترتیل آوردیم، تدبیر در معانی برای آفریدن احسن الترتیل معتبر است و الا قرائت ترتیل لزوماً نیازمند همراهی با تدبیر نیست. شاید در دیدگاه بعضی از قرآن پژوهان که سه قرائت تدویر و تحقیق و تحدیر را در کنار هم آورده و از ذکر قرائت ترتیل در این سطح سرباز زده اند، قرائت ترتیل مفهوم جامعی برای این سه قرائت است؛ چراکه همه این قرائات بنحوی شامل دو ویژگی مقوم قرائت ترتیل می باشند. اما در دیدگاه شیخ طوسی، که ترتیل را در مقابل تحدیر قرار داده است، نمی توان ترتیل را مفهوم جامعی بحساب آورد. در نهایت بنظر می رسد مراتب ادنای ترتیل، با تدویر تفاوتی نداشته باشد.

از جهت دیگر رابطه ترتیل و تحقیق نیز می تواند عام و خاص مطلق باشد؛ یعنی گرچه هر تحقیقی ترتیل است، اما هر ترتیلی تحقیق نیست؛ این نظریه را ابن جرزی بیان کرده است (۷۳). اما جای این سؤال باقی است که گرچه در قرائت تحقیق، بیان و ادای

حروف بطور کامل صورت می‌گیرد؛ ولی تعریف تحقیق، مقید به رعایت تناسب و خوشخوانی نیست. از این جهت می‌توان به قرائت تحقیقی که ترتیل نباشد، واقف گردید.

ترتیل و تحذیر هم همانند ترتیل و تحقیق تفسیر می‌گردد با این تفاوت که ابن جرزی ترتیل را شامل تحذیر ندانسته است.

در نهایت بنظر می‌رسد جز قرائت تدویر، قرائت ترتیل و تحقیق و تحذیر دارای ویژگی‌هایی متمایز با یکدیگر و یا لااقل غیرمنطبق بر هم می‌باشند که زمینه جداسازی این انواع را فراهم آورده است.

بررسی مقایسه‌ای درجه مطلوبیت قرائت تحذیر و ترتیل و تحقیق

قرائت تحقیق، اصولاً برای هدف دیگری غیر از نفس تلاوت در نظر گرفته می‌شود. از این روی در موارد آموزش و یا اقرار شیخ بر شاگردان، تنها اینگونه قرائت مطلوب است؛ و در غیر از این موارد مطلوبیت ویژه‌ای ندارد.

اما در میان دو قرائت تحذیر و ترتیل، سؤال بدین گونه مطرح می‌شود: اگر مدت معینی به قرائت تحذیر سپری شود قاری بر قرائت آیات بیشتری موفق می‌شود؛ حال در این مدت معین، تحذیر و بیش خوانی مطلوب‌تر است یا ترتیل و کم خوانی؟ گرچه خواندن تعداد آیات معین بصورت ترتیل - و در نتیجه در مدت زمانی بیشتر - از قرائت همان آیات بصورت تحذیر - و مدت زمانی کمتر - بدون تردید مطلوب‌تر است.

گروهی با توجه به بعضی از روایات، قرائت تحذیر را که ملازم با بیش خوانی است ترجیح داده‌اند؛ چراکه در حقیقت بیش خوانی قرآن دارای ثواب و اجر بیشتر و در نتیجه مطلوب‌تر است.

ابن مسعود از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که فرمود: «هرکس حرفی از کتاب خداوند را بخواند، برای او حسنه‌ای است و یک حسنه نیز ده برابر می‌شود.»^(۷۴)

در روایت ترمذی و طبرسی اینگونه وارد شده است که بر هر حرفی ده حسنه است.^(۷۵) و در نقل طبرسی مقصود از بکل حرف، صریح بیان شده که مقصود از حرف، مجموعه "الم" (بعنوان مثال) نیست؛ بلکه خداوند به قرائت "الف" لام، میم، هرکدام ده حسنه عطا می‌کند.^(۷۶)

گروه دیگر، قرائت ترتیل و کم خوانی را ترجیح داده‌اند. دلایل این گروه و آنچه به

تأیید نظرشان اقامه می‌شود، امور مختلفی است: اولاً اینگونه قرائت، با هدف و مقصود از قرآن که همان فهم و تدبر و عمل به قرآن است، سازگارتر است. ثانیاً: قرائت ترتیل با اجلال و توقیر قرآن (که از جمله آداب مواجهه با کلام "خداوند" است) تناسب بیشتری دارد؛ و در نتیجه تأثیر بیشتری بر جان شنونده و خواننده می‌گذارد.

ثالثاً: اینگونه قرائت با سیره معصومین علیهم السلام، هماهنگ و منطبق است. امام هشتم علی بن موسی علیهما السلام در روایتی که به قرائت خویش اشاره فرموده‌اند، توجه به معانی را در قرائت خود اینگونه بیان کرده‌اند:

«اگر من می‌خواستم که قرآن را در کمتر از سه روز نیز ختم کنم، می‌توانستم؛ ولی من به هیچ آیه‌ای نمی‌گذرم مگر آن که در آن آیه و در شان نزول و زمان نزول آن اندیشه می‌کنم، پس به این جهت است که در هر سه روز [و نه کمتر] یک ختم قرآن می‌کنم.»^(۷۷)

ابن جرزی بنقل از بعضی بزرگان تفاوت لطیفی را بین این دو قرائت ذکر کرده است. وی می‌نویسد:

«ثواب قرائت ترتیل و تدبر در قرآن از جهت ارزش [و کیفیت] بالاتر است و ثواب کثرت قرائت از جهت عدد [و کمیت] بیشتر است. اولی مانند آن است که کسی جواهر گرانبها یا عبد قیمتی را صدقه داده و آزاد کند، و دومی مانند آن است که کسی در همهای زیادی را صدقه دهد و یا بندگان کم ارزش زیادی را در راه خدا آزاد نماید.»^(۷۸)

این کیفیت‌گرایی و معناگرایی در حین قرائت، نه تنها بزرگان را به قرائت ترتیل می‌کشاند که گاهی به تکرار فراوان یک آیه وادار می‌کرد بگونه‌ای که محمد بن کعب القرظی می‌گوید:

«خواندن دو سوره زلزله و قارعه» و تکرار و تفکر در آنها از شب تا صبح، در دیدگاه من از خواندن سریع قرآن بسیار مطلوبتر است»^(۷۹)

تکرار قرائت آیه‌ای واحده از شب تا صبح از پیامبر اکرم (ص) و بعضی از بزرگان به تبع آن حضرت نیز نقل شده است.^(۸۰)

۵- قرائت با صوت نیکو

بجز روایاتی که سیره معصومین علیهم السلام را در قرائت با صوت نیکو

معرفی می‌کرد که خود نشانگر مطلوبیت اینگونه قرائت است، روایات دیگر در تحریض مؤمنین به تحسین الصوت عند القراءة وارد شده است. امام صادق علیه السلام از قول پیامبر نقل فرمودند که فرمود:

«هر چیزی را زینتی است و زینت قرآن، صدای نیکو است.» (۸۱)

روایات دیگری از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که به ترجمه آنها اشاره می‌کنیم:
«همانا شعر نیکو و نغمه صدای خوش از زیباترین زیباییها است.» (۸۲) «همانا نیکویی صدا، زینت قرآن است» (۸۳) «قرآن را با صدای خوش زینت دهید» (۸۴)
«قرآن را با صدای خوش زیبا کنید که صدای خوش به زیبایی قرآن می‌افزاید.» (۸۵)

در دیدگاه بعضی، تحسین قرآن جز با تغنی و ترجیع در آن محقق نمی‌شود. این دیدگاه، محمد بن احمد قرطبی را به تفسیر و تأویلهای گوناگونی درباره روایات فوق نشانده است؛ چراکه در دیدگاه او، تغنی و ترجیع قرآن که با تحسین قرائت قرآن ملازم است، نامطلوب و نامشروع است. قرطبی با استمداد از دیگر اندیشمندان سه احتمال زیر را درباره روایات فوق پیش می‌نهد:

۱- این روایات از باب قلب است و مقصود از "حسنوا القرآن باصواتکم"، درحقیقت حسنوا اصواتکم بالقرآن می‌باشد؛ یعنی صدای خود را بواسطه قرائت قرآن نیکو سازید!!؟

۲- مقصود آن است که به قرائت قرآن اشتغال داشته و آن را زینت و شعار خود قرار دهید.

۳- مقصود پافشاری و تشویق و تحریص به قرائت قرآن است.» (۸۶)

وی سعی کرده است که هر احتمال را بنحوی با بعضی از مضامین روایی دیگر تأیید کند؛ مثلاً در تأیید احتمال اول، دو روایت زینوا اصواتکم بالقرآن و حسنوا اصواتکم بالقرآن را از پیامبر نقل کرده است. (۸۷)

بنظر می‌رسد وجود مضامین روایی دیگر، هرگز سبب دست برداشتن از ظهور روایات دیگر نمی‌شود؛ مگر آن که تعبد بر ظاهر حدیث با معرفتی قطعی و یقینی مخالف باشد. در این هنگام نیز جواز ارتکاب هر خلاف ظاهری صادر نمی‌شود.

با نگاهی کوتاه به روایاتی که ترجمه آنها نقل شد، واضح است که تمام توجیهاات قرطبی بی‌وجه و مردود است درحالی که روایت منقول از پیامبر (ص) به افزون شدن

نقد
باید
شده
از

زیبایی قرآن بجهت قرائت با صوت زیبا دلالت صریح دارد، چگونه روایات مشابه را از باب «قلب» بدانیم؟

حتی اگر مطلق غناء را حرام بدانیم، لااقل خوب بود که ادله حرمت غناء را مقید اطلاق مطلوبیت تحسین القرائة در نظر گرفته می شد که در جمع روایات طریق معروف پیشه شده بود؛ همچنان که بعضی از فقهاء و محدثین شیعه چنین طریقه ای را پیموده اند. در مفهوم تحسین صوت، ابهامی نیست؛ گرچه در بعضی از روایات، معیارهایی برای رسیدن به مقام احسن القرائة بالقرآن داخل شده است. در روایتی از پیامبر اکرم خضوع و خشوع و تاثیرپذیری قاری قرآن از آیات الهی، ملاك احسن بودن صدای قاری دانسته شده است. ^(۸۸) درباره این مرحله از تحسین القرائة، مطالبی که درباره مرحله والای ترتیل بیان کردیم، جاری است و تکرار نمی کنیم.

اما در مصداق تحسین و انطباق آن با ترجیح و تغنی اختلاف است: در دیدگاه بعضی اصولاً بدون ترجیح، تحسین قرائت محقق نمی شود؛ ولی عموم فقیهان تحسین قرائت را اعم از غناء دانسته اند. و لذا بین روایات تحسین القرائة و تحریم الغناء تعارضی ندیده اند و ادله گروه دوم را مقید گروه اول دانسته اند.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۶- قرائت همراه با حزن

بعضی از قرائتهای منقوله در بررسی تاریخی، حاوی قرائت حزین بود. امام صادق علیه السلام قرائت هنگام نزول را، حزین اعلام داشته و درخواست آفریدن چنین قرائتی را نیز از مسلمین دارند. ایشان می فرمایند:

«همانا قرآن با حزن نازل شد پس شما نیز آن را با حزن قرائت کنید.» ^(۸۹)

از کلام دیگری که از امام صادق علیه السلام نقل شده به دست می آید که ادب قرائت کتب آسمانی دیگر نیز قرائت با صوت حزین بوده است. در این روایت آمده است:

«خداوند عزوجل به موسی بن عمران وحی کرد که هنگامی که در مقابل من می ایستی چون افراد بینوا و ذلیل بایست و هنگامی که تورات می خوانی با صدای حزین آن را بمن بشنوان.» ^(۹۰)

۷- قرائت با صدای متوسط

در مورد جهر و اخفات قرائت نیز حد خاصی توصیه شده است. جز در بعضی از

موارد که بطور خاص قرائت اخفاتی توصیه و یا لازم شمرده شده است، بعنوان نمونه در نمازهای ظهر و عصر، بطور کلی قرائت قرآن با صوت میانه و معتدل توصیه شده است. ابن ادریس از کتاب محمد بن علی بن محبوب به سند معتبری از امام صادق علیه السلام نقل نموده است که فرمود:

«همانا امام علی بن الحسین علیهما السلام خوش صداترین مردم در قرائت قرآن بود و صدایش را بلند می کرد تا آن جا که اهل خانه بشنوند.»^(۹۱)
البته مقصود از صدای بلند در مقابل صدای آهسته و اخفاتی است ولی حدّ صوت بلند باید رعایت شود و صدا معتدل باشد. پیامبر اکرم (ص) در این باره به اباذر فرمودند.
«ای اباذر صدایت را در هنگام [تشییع] جنازه، در کارزار و [قرائت] قرآن پایین بیاور.»^(۹۲)

هنگامی که ابابصیر برای درمان درد روحی خویش خدمت امام باقر علیه السلام عرض حال می نمود گفت که:

«وقتی قرآن را با صدای بلند می خوانم شیطان بر من درمی آید. [وسوسه ام می کند].»

حضرت باقر علیه السلام درد وی را قرائت بسیار بلند دانسته فرمودند:
«ای ابابصیر [ابامحمد]، قرائتی [متوسط]، مابین دو قرائت [کوتاه کوتاه و بلند بلند] بنما [بطوری که فقط] به اهل خانه ات صدایت را برسانی [و نه بر دیگران که در خانه نیستند].»^(۹۳)

روایت مرسلی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که مویدی بر مطلوبیت قرائت متوسط است:

«پیامبر اکرم (ص) بر ابابکر گذشتند حال آن که او آهسته می خواند؛ بر عمر گذشتند حال آن که بلند می خواند؛ و بر بلال گذشتند، حال آن که او مقداری از سوره ای و مقداری از سوره دیگر قرائت می کرد.

پس به ابابکر فرمود: بر تو گذشتم و تو آهسته قرائت می کردی. پس گفت: من به آن کس که با او نجوا می کنم، می شنوادم. پس پیامبر (ص) به او فرمودند: [صدایت را] مقداری بلند کن.

و به عمر فرمودند: بر تو گذشتم و تو بلند می خواندی. پس عمر گفت: [بدینوسیله] شیطان را طرد کرده و خفته را بیدار می کنم. پس پیامبر فرمودند:

[صدایت را] مقداری کوتاه نما و پائین بیاور. و به بلال گفتند: بر تو گذشتم و مقداری از این سوره و مقداری از سوره دیگر می خواندی. پس گفت: من بوی خوشی را با بوی خوش دیگر مخلوط کردم. پس پیامبر (ص) فرمودند سوره را آنگونه که هست قرائت کن. (۹۲)

البته در بعضی از روایات قرائت آهسته نیز توصیه شده است که با توجه به روایات فوق، یا حمل بر مرتبه دیگری از مطلوبیت می شود و یا به مواردی چون قرائت در موضع تقیه یا در نماز ظهر و عصر حمل می شود. صاحب رسایل الشیعه اخفات قرائت را مستحب دانسته است؛ و بعضی دیگر مطلوبیت قرائت آهسته و بلند را به مطلوبیت صدقه سرّی و آشکارا تشبیه کرده اند.

ب: قرائتهای نامطلوب

۱- قرائت هذر می

هذر مه، بمعنای سرعت زیاد در گفتار و راه رفتن است و به خلط و قاطی کردن کلمات نیز هذر مه اطلاق می شود. امام صادق علیه السلام در روایتی فرموده اند: «قرآن، بصورت هذر مه قرائت نمی شود و لکن بصورت ترتیل خوانده می شود» (۹۵) ابن عباس نیز گفته است:

«دو ستر می دارم که قرآن را در سه روز ختم کنم تا آن که در یک شب و همراه با تخلیط و سرعت بسیار بخوانم.» (۹۶)

نامطلوب بودن این نوع قرائت که با تزیین ادای مناسب حروف همراه است، روشن است.

۲- قرائت همراه با تأثر ساختگی مفرط

گرچه تأثر واقعی از آیات قرآن و هماهنگ سازی نوع قرائت با مضمون آیات، مطلوب است؛ اما تأثر ساختگی و اظهار از خود بیخود شدن کاذب منهی و نامطلوب است.

جابر بن عبدالله می گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: گروهی اینگونه اند که هنگامی که چیزی از قرآن را بخوانند یا بر آنها خوانده شود، بیهوش و از خود بی خود می شوند بطوری که اگر دو دست و دو پای آنها قطع شود متوجه نمی شوند.

آنگاه امام باقر علیه السلام فرمودند:

«خداوند پاک و منزّه است، این حالت آنان از شیطان است [نه از رحمن]، اینگونه توصیف نشده اند [نباید اینگونه در مقابل قرآن باشند]. آن [حالت مناسب در حال قرائت و سماع قرآن] نرمی، رقت، اشک و ترس از خداست. «^(۹۷) مرحوم علامه مجلسی در ذیل حدیث می نویسد: «مراد آن است که ایشان در ادعایشان دروغ می گویند. «^(۹۸)

ج: قرائت مورد اختلاف

در میان روایاتی که به توصیه یا طرد چگونگی قرائت وارد شده است، بطور خلاصه چهار عنوان ترجیح، تغنی، قرائت به الحان و تطریب در این زمینه وارد شده است. درباره رابطه این گونه قرائت، بنظر می رسد که تفاوت زیادی بین آنها نباشد و همه به نوعی به قرائتی که همراه با آواز و نغمه و خوشخوانی است، اشاره دارد. ولی روایات، در توصیه یا نهی از اینگونه قرائت مختلف است؛ حتی در عنوان واحد (مثل تغنی) روایات بظاهر متعارضی وجود دارد؛ از سوی دیگر مسأله تحریم غناء بطور مطلق (چه در ضمن قرائت قرآن و چه در ضمن مضامین دیگر) بر دیدگاه اندیشمندان در این زمینه سایه افکنده است. قبل از بررسی این نوع قرائت مجموعه روایاتی که در این زمینه رسیده است از نظر می گذرانیم.

۱- روایات قرائت ترجیمی

الف: حکایت قرائت پیامبر اکرم (ص)

عبدالله بن مغفل مزنی می گوید:

«پیامبر اکرم (ص) در سال فتح مکه در یکی از مسیرهایش، سوره فتح را سوار بر مرکب قرائت کرد و در قرائت خویش ترجیح نمود. «^(۹۹)

ب: روایت معتبره ابوبصیر

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«ای ابامحمد (کنیه ابوبصیر است) بخوان بگونه ای که نه آهسته باشد نه خیلی بلند. و صدایت را در قرائت قرآن در گلو بچرخان؛ چراکه خداوند صدای

زیبایی که در آن ترجیح باشد دوست دارد». (۱۰۰)

در سند این روایت ابراهیم بن هاشم و علی بن ابی حمزه بطائنی قرار دارد. درباره ابراهیم بن هاشم توثیق خاصی وارد نشده است و به همین جهت بعضی روایات او را به "حسنه" تعبیر می کنند؛ اما با توجه به این که وی از معاریف بوده است و اجلاء از او روایت کرده اند و روایات کثیری دارد، صرف عدم ذم دلالت بر توثیق وی از سوی اندیشمندان عصر وی بوده است.

علی بن ابی حمزه بطائنی واقفی است و در بعضی از کلمات وی را اهل الوقف معرفی کرده اند، وی مذمتهای متعددی دارد و در مقابل این مذمتهای، توثیقی برای او از جانب شیخ طوسی در کتاب عده (۱۰۱) وارد شده است، با توجه به این که بعضی از این مذمتهای مربوط به مذهب او است - نه وثاقت او - و بعضی از آنها محتمل است مذمت فرزند وی باشد چراکه هم پدر و هم پسر به ابن ابی حمزه مشهور هستند؛ بدین جهت توثیق وی از معارض قطعی خالی مانده و روایت موثقه خواهد بود.

مدلول این روایت معتبره لا اقل نوعی از ترجیح در قرائت را مطلوب می شمارد.

۲- روایات قرائت بالالحان

ج: عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت می کند که وی از قول پیامبر (ص) فرمود:

«قرآن را به آوازه‌ها و نغمه‌های (الحان) عرب قرائت کنید و از آوازه‌های اهل گناه و کبایر بپرهیزید. هرآینه پس از من مردمانی می آیند که قرآن را در گلو بچرخانند (ترجیح کنند)؛ مانند خوانندگی و نوحه خوانی و خواندن کشیشان که این قرائت از گلویشان می‌گذرد [مقبول درگاه خداوند واقع نشود] دل‌های ایشان وارونه است و دل هرکس که از ایشان خشنود شود، نیز وارونه است.» (۱۰۲)

د: حذیفه بن یمان، روایت مشابه دیگری را نقل کرده است، در نقل حذیفه بجای تعبیر ایاکم ولحون اهل الفسق و اهل الکبائر آمده است: ایاکم ولحون اهل العشق و اهل الکتابین (۱۰۳). به تعبیر دیگر صدای آواز اهل عشق و هوس و نوع قرائت اهل دو کتاب تورات و انجیل منتهی عنه قرار گرفته است.

۳- روایات قرائت با تغنی و غناء

هـ: سعدبن ابی وقاص از پیامبر (ص) نقل کرده است که حضرتش فرمودند: «قرآن بطور حزن نازل شده است، پس هنگامی که آن را قرائت کردید، بگریید. و اگر گریه نکردید، (لا اقل) خود را به حال گریه بدارید. و با قرآن «تغنی» کنید که هر کس به قرآن تغنی ننماید از ما نیست.» (۱۰۴)

در ذیل روایت تعبیر «من لم یتغن بالقرآن فلیس متا» وارد شده است که در روایات دیگری نیز این تعبیر تکرار گردیده است. در این روایت بکاء و غناء، مقارن با هم ذکر شده است، گرچه تغنی همراه با حزن و فرح محقق می شود اما به قرینه بکاء، مقصود از روایت تغنی محزون است. البته روایات مطلقاً در تغنی نیز وجود دارد که مقارن با بکاء استعمال نشده است.

و: در روایت مرفوعه دیگر آمده است که پیامبر (ص) فرمودند: «از ما نیست کسی که به قرآن تغنی نکند.» (۱۰۵)

ز: روایت دیگری نیز از پیامبر بدین صورت نقل شده است:

«خداوند به چیزی اجازه نداده است آنگونه که به پیامبر خوش صدایش اذن داده که قرآن را با تغنی و صدای بلند قرائت کند.» (۱۰۶) (با توجه به این که کلمه اذن بمعنای استماع هم آمده است این احتمال که بجای اجازه و اذن استماع خداوند نسبت به پیامبر باشد نیز می رود ولی در هر صورت دلالت روایت تمام است).

ح: شافعی از پیامبر روایت کرده است که فرمود:

«خداوند به چیزی اجازه نداده است آنگونه که به پیامبر خوش نغمه اش در قرائت قرآن اذن داده است.» (۱۰۷)

روایت اخیر بنظر می رسد با روایت قبل از آن در معنا یکسان باشد؛ گرچه در روایت اخیر، تعبیر تغنی وجود ندارد ولی از تعبیر "حسن ترنم" استفاده شده است که این کلمه خود بنوعی معنای تغنی را (در میان احتمالات مختلفی که بعضی ارائه کرده اند) روشن می کند. این روایت نیز احتمال روایت قبل را از جهت معنا برمی تابد.

۴- روایات تطریب قرآن

ط: محمد بن احمد قرطبی ناقل روایاتی است که از تطریب قرائت نهی کرده است. وی از ابن جریر نقل می‌کند که ابن عباس گفته است:

«پیامبر اکرم (ص) را موذنی بود که در اذان تطریب می‌نمود، پس حضرت رسول وی را فرمودند اذان آسان و روان است، پس اگر اذان گفتن تو آسان و روان باشد اذان بگو و گرنه اذان مگو.» (۱۰۸)

از این روایت وی نهی از تطریب اذان و حرمت آن را استفاده کرده است و پس از آن به طریق اولویت آن را به نهی از تطریب از قرائت قرآن تسری داده است.

وی همچنین ناخشنودی انس بن مالک از قرائت بلند و تطریب گونه زیاد النمیری را نقل می‌کند و از قول وی می‌گوید: صحابه اینگونه قرائت نمی‌کرده‌اند. (۱۰۹)
وی در نقل حکایات دیگری انکار معید بن مسیب و قاسم را از قرائت تطریبی بازگویی نماید. (۱۱۰)

کیفیت جمع عرفی بین این روایات

روایاتی که از نظر گذشت دارای مضمون واحدی نبود اما با توجه به نزدیکی یا تساوی معنایی کلمات وارده در هریک (تغنی - تطریب، ترجیح و قرائت به الحان)، پیام همه آنها را می‌توان در موضوع واحد دانست.
ابن منظور در معنای کلمه ترجیح می‌نویسد:

«رجع الرجل وترجع: صدا را در گلویش چرخاند چه در قرائت، در اذان، در غناء و یا مزمار و یا غیر از اینها از آنچه به آن ترنم می‌شود ... ترجیح صدا بمعنای چرخاندن صدا در حلق است بمانند قرائت اصحاب الحان.» (۱۱۱)

ابن اثیر نیز در مفهوم الحان توضیحی می‌دهد که همه کلمات مشابه را شامل می‌شود وی می‌نویسد:

«لحون والحان همان تطریب، ترجیح صدا و نیکو ساختن قرائت و شعر و غناء است.» (۱۱۲)

حتی در دیدگاه بعضی، روایاتی که در باب تحسین القرائة وارد شده است بنحوی متضمن امر به ترجیح در قرائت است؛ چراکه بدون ترجیح اصولاً صدای نیکو

محقق نمی‌شود. محمد ماجد بن ابراهیم حسینی که از علمای قرن دوازدهم می‌باشد در فن غناء و موسیقی، ید طولایی داشته‌است، وی در رساله‌ای که درباره‌ی موضوع و حکم غناء در اسلام تألیف کرده می‌نویسد:

«مقصود ما در این رساله آن است که [بیان کنیم] حسن صوت، فقط با مناسبات عددی محقق می‌شود که آن هم بر تحقق ترجیعیهای مختلف در غناء متوقف است. این نکته برای آنان که در انواع صدا تأمل کنند، واضح است؛ چراکه صدای صاف و بدون ترجیع اصولاً نه زیبا است و نه زشت و مدار حسن و قبح صدا به توازن و عدم توازن عددی صداهای مختلف است.» (۱۱۳)

جدای از روایاتی که در مطلق غناء وارد شده‌است، روایات مذکور در قرائت قرآن به اصوات ترجیعی و ... سه دسته می‌شوند که عبارت است از:

- ۱- روایات دال بر لزوم یا حسن مطلق ترجیع و تغنی به قرآن.
 - ۲- روایات دال بر تفصیل بین انواع ترجیع و تلحین از جهت مطلوبیت و عدم آن.
 - ۳- روایات دال بر عدم جواز تطریب به قرآن مطلقاً.
- با صرف نظر از سند روایات، از جهت دلالتی جمع عرفی و مقبولی بین دسته اول و سوم وجود دارد، شاهد جمع عرفی آن نیز روایات دسته دوم است.
- بدین ترتیب روایاتی که مطلق ترجیع را مجاز یا مطلوب دانسته‌است، به غنای اهل فسوق و عشق و غنای اهل کتاب (در مجموع غنای لهوی) تقیید می‌خورد و تطریب محرم نیز در همین دایره قرار می‌گیرد.

البته اگر به سند روایات نظر کنیم، روایات تغنی در حد استفاضه بوده و تنها روایت معتبر در این روایات معتبره ابوبصیر مبنی بر مطلوبیت ترجیع در قرائت است. البته مضمون این روایت با ادله دیگری که وجود دارد - حتی اگر روایات دیگر ذکر شده آن را تقیید نزد - به ترجیع غیرلهوی تقیید خواهد خورد.

جمع عرفی مذکور در صورتی تمام است که روایاتی که درباره‌ی مطلق غناء وارد شده، منافاتی با مدلول این جمع نداشته باشد. اما در صورتی که از آن روایات، حرمت مطلق ترجیع و یا غناء را استفاده کنیم بدون تردید بین مدلول روایات تعارض خواهد افتاد و یا بدنبال جمع عرفی دیگری باید تلاش کرد.

فقهایی که فتوای به حرمت مطلق غناء داده‌اند، ناگزیر روایات مذکور را به معانی غیرظاهر حمل نموده و یا اصولاً به طرد آنها مبادرت ورزیده‌اند.

پی نوشت :

- (۱) تکویر، آیه ۱۹.
- (۲) یستلک اهل الكتاب ان تنزل عليهم کتاباً من السماء، نساء، آیه ۱۵۳.
- (۳) ... ورتلناه ترتیلاً، فرقان، آیه ۳۱.
- (۴) دکتر سیدمحمدباقر حجتی، تاریخ قرآن کریم (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی) ص ۳۳ و ۳۴ به نقل از الاتقان فی علوم القرآن، بحار الانوار، صحیح بخاری.
- (۵) نزل القرآن بالتفخیم، جلال الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن (قم، منشورات رضی، بیدار ۱۳۶۳) ج ۱، ص ۳۷۳. و محمد محمود عبدالعلیم، احکام التجوید و فضائل القرآن (مصر، چاپ ششم) ص ۱۶۱.
- (۶) جلال الدین سیوطی، پیشین، ج ۱، ص ۳۷۳.
- (۷) شیخ محمد حر عاملی، وسائل الشیعه (بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳) ج ۴، ص ۸۵۷.
- (۸) ورتل القرآن ترتیلاً. مزمل، آیه ۴.
- (۹) وقراناً فرقناه لئلقراه علی الناس علی مکث، اسراء، آیه ۱۰۶.
- (۱۰) ر.ک: شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسی، التبیان فی تفسیر القرآن (بیروت، دار احیاء التراث العربی) ج ۶، ص ۵۳۰؛ و شیخ اسماعیل حقی البرسودی، تفسیر روح البیان (بیروت دار احیاء التراث العربی) ج ۵، ص ۲۱۰؛ و امام فخر رازی، التفسیر الکبیر (بیروت، دار احیاء التراث العربی) ج ۲۱، ص ۶۱.
- (۱۱) ر.ک: محمد بن احمد الانصاری القرطبی، الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی) (بیروت، دار احیاء التراث العربی) ج ۱۰، ص ۳۴۰.
- (۱۲) صحیح مسلم بشرح النووی (بیروت دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴) ج ۶، ص ۷۸-۸۱.
- (۱۳) محمد بن احمد قرطبی، پیشین، ج ۱، ص ۱۳.
- (۱۴) واذا ذكرت ربک فی القرآن وحده ولو اعلى ادبارهم نفوراً، الاسراء، آیه ۴۶.
- (۱۵) علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی (قم، موسسه دارالکتاب، ۱۳۸۷) ج ۲، ص ۲۰، متن روایت اینگونه است: «کان رسول الله اذا تهجد بالقرآن تسمع قریش لحسن قرائته وكان اذا قرأ بسم الله الرحمن الرحيم قرأوا عنه».
- (۱۶) عن الباقر عليه السلام: «ان رسول الله (ص) كان احسن الناس صوتاً بالقرآن»، محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی (تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه) ج ۲، ص ۲۵۹.
- (۱۷) عن الصادق عليه السلام: «ما بعث الله نبياً الا احسن الصوت» محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه (قم، مرکز نشر دفتر تبلیغات اسلامی) ج ۸، ص ۸۳ به نقل از اصول کافی ج ۲، ص ۶۱۶.
- (۱۸) مقصود سائل آن است که اگر قرائت امام چهارم موجب صعقه مردم می گردیده است پس چگونه مردم قرائت پیامبر را می شنیدند و چنین حالتی بر آنها عارض نمی شد؟

- (۱۹) مولى محمدباقر مجلسى، بحار الانوار (تهران، مكتبة اسلاميه) ج ۴۶، ص ۶۹. متن روايت: «ان رسول الله (ص) كان يحمل من خلفه ما يطيقون»
- (۲۰) محمد بن يعقوب كلينى، الاصول من الكافى (تهران، دارالكتب اسلاميه) ج ۲، ص ۶۱۵. متن روايت: «على بن محمد بن نوفلى قال: ذكرت الصوت عنده قال: ان على بن الحسين عليهما السلام كان يقرأ قرئاً مرّبه المارّ فصعق من حسن صوته وان الامام لو اظهر من ذلك شيئاً لما احتمله الناس.»
- (۲۱) همان، ج ۴، ص ۸۵۸. متن روايت: قال ابو عبدالله (ص): «ان على بن الحسين كان احسن الناس صوتاً بالقرآن وكان يرفع صوته حتى يسمعه اهل الدار وان ابا جعفر كان احسن الناس صوتاً بالقرآن وكان اذا قام من الليل وقراء رفع صوته فيمرّ به مار الطريق والساقين وغيرهم فيقومون فيستمعون الى قراته.»
- (۲۲) همان، ج ۴، ص ۸۵۷.
- (۲۳) همان، ج ۴۶، ص ۲۵۴.
- (۲۴) على محمد على دخيل، ائمتنا (بيروت، دارالامام الرضا (ع)) ج ۲، ص ۱۴ به نقل از المناقب ج ۲، ص ۳۷۹.
- (۲۵) صحيح مسلم بشرح النووى ج ۶، ص ۸۰.
- (۲۶) همان، ج ۶، ص ۸۰؛ و محمد بن احمد قرطبى، پيشين ج ۱، ص ۱۰.
- (۲۷) ر.ك: عبدالوهاب التجار، قصص الانبياء (قم، مؤسسه دين و دانش، هجرت) ص ۳۱۱.
- (۲۸) نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰: «وان شئت ثلثت بداود صلى الله عليه وسلم صاحب المزامير وقارى اهل الجنة.»
- (۲۹) ابن ابى الحديد، شرح نهج البلاغه (بيروت، داراحياء التراث العربى) ج ۹، ص ۲۳۱.
- (۳۰) شعرى كه با مد و زمزمه همراه است.
- (۳۱) علامه ابن منظور، لسان العرب (بيروت، داراحياء التراث العربى) ج ۱۰، ص ۱۳۵.
- (۳۲) همان، ج ۱۰، ص ۱۳۵.
- (۳۳) لحن فى قراته: ترنم فيها وطوب، المنجد.
- (۳۴) المنجد فى اللغة، ص ۷۱۷.
- (۳۵) خير الدين زركلى، الاعلام (بيروت، دارالعلم للملايين) ج ۴، ص ۱۹۱ به نقل از تاريخ الاسلام ذهبى ج ۳، ص ۱۸۹.
- (۳۶) ر.ك: دائرة المعارف بزرگ اسلامى، به كوشش: سيد كاظم بجنوردى (تهران، مركز دائرة المعارف) ج ۲، ص ۷۰۲.
- (۳۷) مجد الدين ابن اثير، النهاية فى غريب الحديث (قم، مؤسسه مطبوعاتى اسماعيليان) ج ۴، ص ۲۴۳.
- (۳۸) ر.ك: محمد بن احمد قرطبى، پيشين، ج ۱، ص ۱۶-۱۷.
- (۳۹) وى در نزد عبدالله بن مسعود شاگردى قرائت كرده و مورد مراجعه صحابه بوده است و در سال ۶۲ بدرود حيات گفته است، شمس الدين محمد ذهبى، كتاب تذكرة الحفاظ (بيروت، دارالكتب العلميه) ج ۱، ص ۴۸.
- (۴۰) وى يکى از صحابه خوشنام و حافظان و الامام بوده است كه در عصر عثمان بدرود حيات گفته است

- (م. ۳۲هـ)، همان، ج ۱، ص ۱۴.
- (۴۱) احمد بن محمد انصاری، پیشین، ج ۱، ص ۱۲.
- (۴۲) فرقان، آیه ۳۲. ورتلناه ترتیلاً.
- (۴۳) مزمل، آیه ۴. ورتل القرآن ترتیلاً.
- (۴۴) ر. ک: خطبة ۱۹۳، نهج البلاغه.
- (۴۵) المنجد فی اللغة، ص ۲۲۸.
- (۴۶) علامة ابن منظور، پیشین، ج ۵، ص ۱۳۲.
- (۴۷) اسمعیل بن حماد جوهری، الصحاح (بیروت، دارالعلم الملايين، افست ایران) ج ۳، ص ۱۷۰۴.
- (۴۸) فخرالدین طریحی، مجمع البحرين (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی) ج ۲، ص ۱۴۲.
- (۴۹) فضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن (بیروت، دارالمعرفة) ج ۱۰، ص ۵۶۹ و فخرالدین طریحی، پیشین، ج ۲، ص ۱۴۲، متن روایت: «بینہ بیاناً ولا تهذه هذا الشعر ولا تنشره نثر الرمل».
- (۵۰) فخرالدین طریحی، پیشین، ج ۲، ص ۱۴۲. متن روایت: «ترتیل القرآن حفظ الوقوف و بیان الحروف».
- (۵۱) فخرالدین طریحی، پیشین، ج ۲، ص ۱۴۲. متن روایت: «الترتیل هو ان تمکث به وتحسن به صوتک».
- (۵۲) فضل بن الحسن الطبرسی، پیشین، ج ۱۰، ص ۵۶۹.
- (۵۳) همان، ج ۱۰، ص ۵۶۹.
- (۵۴) الدكتور وهبة زحلی، التفسیر المنیر فی العقیدة والشریعة والمنهج (بیروت، دارالفکر المعاصر ۱۴۱۱هـ. ق) ج ۲۹، ص ۱۹۲.
- (۵۵) محمود زمخشری خوارزمی، الکشاف عن حقایق التنزیل و... (بیروت، دارالمعرفة) ج ۴، ص ۱۵۲.
- (۵۶) الدكتور وهبة زحلی، پیشین، ج ۲۹، ص ۱۹۲ و محمد بن احمد قرطبی، پیشین، ج ۱، ص ۱۰.
- (۵۷) جلال الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۶۸ به نقل از البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۵۰.
- (۵۸) همان، ج ۱، ص ۳۶۹.
- (۵۹) فخرالدین طریحی، پیشین، ج ۲، ص ۱۴۲. متن روایت: «الترتیل هو ان تمکث به وتحسن به صوتک و اذا مررت بأیة فیها ذکر النار و اذا مررت بأیة فیها ذکر الجنة فاسأل الله الجنة».
- (۶۰) فضل بن الحسن الطبرسی، پیشین، ج ۴، ص ۵۶۹ و محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۴. متن روایت: «ولکن اقرع به القلوب القاسية ولا یكونن هم أحدکم اخر السورة».
- (۶۱) بقره، آیه ۱۲۱.
- (۶۲) میزان الحکمة، ج ۸، ص ۸۴ به نقل از تنبیہ الخواطر، ص ۴۸۳. متن روایت: «یتبعونه حق اتباعه».
- (۶۳) همان، ج ۸، ص ۸۴. متن روایت: «قال الصادق علیه السلام فی قوله تعالی یتلونه حق تلاوته: یرتلون آیاته ویتفهمون معاینه و یعلمون باحکامه و یرجون وعده و یخشون عذابه و یتمثلون قصصه و یعتبرون امثاله و یاتون او امره و یجتنبون نواهیہ و ما هو الله بحفظ آیاته و سرده حروفه و تلاوة سورة و درس اعشاره و اخماسه حفظوا حروفه و اضاعوا حدوده، انما هو تدبر آیاته یقول الله تعالی: کتاب انزلناه الیک لیدبروا

آياته .

(۶۴) نهج البلاغه ، ترجمه دکتر شهیدی (تهران- سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی) خطبه ۱۹۳ ، ص ۲۲۵ . متن روایت : «اما اللیل فصافون اقدامهم تالین لاجزاء القرآن یرتلونه ترتیلاً . یحزنون به انفسهم ویستشیرون به دواء دوائهم فاذا مروا بآیه فیها تشویق رکنوا الیها طمعاً وتطلعت نفوسهم الیها شوقاً وظنوا انها نُصِبَ اعینهم واذا مروا بآیه فیها تخویف اصغوا الیها مسامح قلوبهم وظنوا ان زفیر جهنم وشهیقتها فی اصول آذانهم .»

(۶۵) شیخ طوسی ، التبیان فی تفسیر القرآن ، ج ۱۰ ، ص ۱۶۲ .

(۶۶) محمد بن محمد الدمشقی الشهیر بابن الجرزی ، النشر فی القرائات العشر (تهران ، مکتبه الجعفری) ج ۱ ، ص ۲۰۷ .

(۶۷) محمد بن حسن حر العاملی ، وسائل الشیعه ، ج ۴ ، ص ۸۶۲ .

(۶۸) همان ، ج ۴ ، ص ۸۵۲ .

(۶۹) جلال الدین سیوطی ، پیشین ، ج ۱ ، ص ۳۶۹ .

(۷۰) برگرفته از النشر فی القرائات العشر ، ج ۱ ، ص ۲۰۵ .

(۷۱) همان ، ج ۱ ، ص ۲۰۷ .

(۷۲) ر. ک: م . حاج اسمعیلی ، پژوهشی در قرآن و فنون قرائات بروایت فحص از عاصم (اصفهان) ص ۱۲۱ .

(۷۳) ابن جرزی ، النشر فی القرائات العشر ، ج ۱ ، ص ۲۰۸ .

(۷۴) همان ، ج ۱ ، ص ۲۰۸ . متن روایت : «من قرأ حرفاً من کتاب الله فله حسنة والحسنة بعشر امثالها .»

(۷۵) فضل بن الحسن الطبرسی ، مجمع البیان ، ج ۱ ، ص ۱۶ .

(۷۶) جلال الدین سیوطی ، پیشین ، ج ۱ ، ص ۳۶۸ .

(۷۷) محمد حر عاملی ، وسائل الشیعه ، ج ۴ ، ص ۸۶۳ ، متن روایت : «الواردت ان اختمه فی اقرب من ثلاث لختمتها ولكن مامرت بآیه قط الافکرت فیها وفي ای شیء انزلت وفي ای وقت فلذلک صرت اختم فی کل ثلاثة .»

(۷۸) ابن جرزی ، النشر فی القرائات العشر ، ج ۱ ، ص ۲۰۹ .

(۷۹) همان ، ج ۱ ، ص ۲۰۹ .

(۸۰) همان ، ج ۱ ، ص ۲۰۹ .

(۸۱) محمد بن یعقوب کلینی ، اصول کافی ، ج ۲ ، ص ۶۱۵ متن روایت : «لکل شیء حللیة وحلیة القرآن الصوت الحسن .»

(۸۲) همان ، ج ۲ ، ص ۶۱۵ ، متن روایت : «ان من اجمل الجمال الشعر الحسن ونعمة الصوت الحسن»

(۸۳) مولی محمد باقر مجلسی ، بحار الانوار ، ج ۹۲ ، ص ۱۹۰ . متن روایت «ان حسن الصوت زينة القرآن .»

(۸۴) مولی محسن فیض کاشانی ، تفسیر الصافی (بیروت ، مؤسسة اعلمی) ج ۱ ، ص ۷۲ ، متن روایت : «زینوا القرآن باصواتکم»

(۸۵) محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۸، ص ۸۳ به نقل از کنز العمال، خ ۲۷۶۵. متن روایت:

«حسنوا القرآن باصواتکم فان صوت الحسن یزید فی القرآن حسناً»

(۸۶) محمد بن احمد قرطبی، پیشین، ج ۱، ص ۱۱.

(۸۷) همان، ج ۱، ص ۱۱.

(۸۸) ر.ک: محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۸، ص ۸۳ به نقل از کافی، ج ۲، ص ۶۱۶.

(۸۹) محمد حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۵۷ متن روایت «ان القرآن نزل بالحزن فاقرؤه بالحزن».

(۹۰) همان، ج ۴، ص ۸۵۷ متن روایت: «ان الله عزوجل اوحى الى موسى بن عمران(ع) اذا وقفت بين يدي

قف موقف الدليل الفقير واذا قرأت التوراة فاسمعيها بصوت حزين».

(۹۱) همان، ج ۴، ص ۸۵۸ متن روایت: «ان على بن الحسين عليهما السلام كان احسن الناس صوتاً بالقرآن

وكان يرفع صوته حتى يسمعه اهل الدار».

(۹۲) همان، ج ۴، ص ۸۵۸، متن روایت: «يا باذر اخفض صوتك عند الجنائز وعند القتال وعند القرآن».

(۹۳) همان، ج ۴، ص ۸۵۹، متن روایت «يا ابا محمد اقرا اقرائة ما بين القرائين تسمع اهلك».

(۹۴) محمد محمود عبدالعالم، احكام التجويد وفضائل القرآن (مصر) ص ۱۶۲ و ۱۶۳.

(۹۵) محمد حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۶۲. متن روایت «ان القرآن لا يقرء هذومة ولكن يرتل

ترتيلاً»

(۹۶) ابن اثیر، النهاية فی غريب الحديث، ج ۵، ص ۲۶۵.

(۹۷) محمد بن يعقوب كليني، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۷. متن روایت: «سبحان الله ذاك من الشيطان

ما بهذا نعتوا، انما هو اللين والوقه والدমেعة والوجل»

(۹۸) مولی محمد باقر مجلسی، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول (تهران، دارالکتب الاسلامیة)

ج ۱۲، ص ۵۰۳.

(۹۹) صحیح مسلم بشرح النووي، ج ۶، ص ۸۱.

(۱۰۰) محمد حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۵۹. متن روایت «يا ابا محمد اقرء ما بين القرائين تسمع

اهلك ورجع بالقرآن صوتك فان الله عزوجل يحب الصوت الحسن يرجع فيه ترجيحاً».

(۱۰۱) ر.ک: آية الله الخویی، معجم رجال الحديث (قم، مركز نشر آثار شیعه) ج ۱۱، ص ۲۲۶.

(۱۰۲) محمد حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۵۸. متن روایت «قال رسول الله(ص) اقرؤوا القرآن

بالحان العرب واصواتها وایاکم ولحون اهل الفسوق واهل الكبائر فانه سيجيئ بعدى اقوام يرجعون

القرآن ترجيع الغناء والنوح والرهبانية لايجوز تراقيهم قلوبهم مقلوبه وقلوب من يعجبه شأنهم».

(۱۰۳) محمد بن احمد قرطبی، همان، ج ۱، ص ۱۷ و بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۱۹۰ به نقل از

جامع الاخبار، ص ۵۷ و دعوات راوندی.

(۱۰۴) مولی محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۱۹۱ و مولی محسن کاشانی، تفسیر الصافی،

ج ۱، ص ۶۲ متن روایت: «ان القرآن نزل بالحزن فاذا قرأتموه بکوا فان لم تبکوا فتابکوا وتغنوا به فمن

لم يتغن بالقرآن فليس منا»

(۱۰۵) مولی محمد باقر مجلسی، پیشین، ج ۹۲، ص ۱۹۱؛ والشريف السيد المرتضى، امالی السيد

- المرتمضى (قم، كتابخانه آية الله نجفی مرعشی) ج ۱، ص ۲۲۴ و محمد بن علی بن الحسين بن بابويه (صدوق)، معانی الاخبار (قم، جامعه مدرسين)، ص ۲۷۹. متن روایت: «ليس منا من لم يتغن بالقرآن» و روى عن ابى داود والنجارى، ر.ك: التاج الجامع للاصول، ج ۴، ص ۱۱.
- (۱۰۶) محمد محمود عبد العليم، پيشين، ص ۱۶۱ و محمد بن احمد قرطبي، پيشين، ج ۱، ص ۱۵ و صحيح مسلم بشرح النووي، ص ۷۹، متن روایت: «ماذن الله لشيء ماذن لنبى حسن الصوت يتغنى بالقرآن ويجهر به» و شيخ منصور على ناصف، التاج الجامع للاصول (استانبول، مكتبة ياسوق) ج ۴، ص ۱۱، وى روایت را از مسلم، بخارى و ابى داود نقل مى كند.
- (۱۰۷) ابن قدامى، المغنى والشرح الكبير (بيروت، دارالكتاب العربى) ج ۱، ص ۷۶، متن روایت: «قد روى عن رسول الله (ص) اذ قال ماذن الله لشيء كاذنه لنبى حسن الترنم بالقرآن»
- (۱۰۸) محمد بن احمد قرطبي، پيشين، ج ۱، ص ۱۶؛ بنقل از سنن دارقطنى متن روایت: «ان الاذان سهل سمع فاذا كان اذناك سمحاً سهلاً والا فلا تؤذن.»
- (۱۰۹) و (۱۱۰) همان، ج ۱، ص ۱۰.
- (۱۱۱) ابن منظور، پيشين، ج ۵، ص ۱۴۸.
- (۱۱۲) ابن اثير، النهاية فى غريب الحديث، ج ۴، ص ۲۴۳.
- (۱۱۳) ر.ك: محمد هادى معرفة، التمهيد فى علوم القرآن (قم، انتشارات جامعه مدرسين) مقاله رساله ايقاظ النائمين، ج ۵، ص ۲۰۱.

مركز تحقيقات كامتور علوم رسلى

